

شکوفایی و نوآوری در اندیشه و عمل امام خمینی

□ حسن پویا

بنابر آیات قرآن کریم، خداوند متعال آنچه را که به بشریت عرضه کرده است، نوآوری و ابداع است، خلقت آسمان و زمین، بعثت پیامبران و کتب آنها، معجزات پیامبران، ارسال رسولان، ساختن کعبه به عنوان: «اول بیت وضع للناس»^۱ هزاران هزار بل میلیاردها مخلوقی که هرگز پیشینه‌ای نداشته است.

خدای توانا و مبدع آسمان و زمین، آفریده جهان است که هرگز قبل و بعد از او مبدعی به بلندای او نبوده و نخواهد بود: ﴿بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛^۲ پدیدآور آسمانها و زمین است، و هرگاه چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: باش، پس موجود می‌شود.

شکوفایی و نوآوری پدیده‌ای است مطابق با فطرت و طبیعت انسانی، زیرا گسترش همه چیز به آن وابسته است. پیامبران الهی بعد از خداوند متعال اولین نوآوران حیات بشری هستند. همیشه در طول تاریخ پدیده‌های نوظهور و جدی - چه در جهات مثبت و چه در جهات منفی - باعث تحولات بزرگ و شگرف شده‌اند.

در قرن حاضر، نهضت امام خمینی (ره) و پدیده انقلاب اسلامی به رهبری معمار بزرگ انقلاب، یکی از بزرگ‌ترین نوآوری‌های بشر امروز است که جهان بشریت با آن روبرو شد و

تقریباً تمامی متفکران و اندیشمندان و حاکمان جهان را به خود مشغول کرد. انقلاب اسلامی به عنوان یک نوآوری شگرف، تمام نظام‌های عالم را به چالش کشید و در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... دیگران را به رقابت دعوت کرد و به جهانیان نشان داد که مکتب سیاسی اسلام می‌تواند حاکمیت را در جهان به ارمغان بیاورد که تاکنون نمونه‌ای از آن نبوده است.

نوآوری، در لغت به معنای «عمل پدید آوردن چیزهای نو و روش‌های نو» مطرح است و نوآور، پدیدآورنده چیز جدید است که به عنوان مبتکر و نوپرداز مطرح می‌گردد. واژه‌هایی همچون نوآفرین، یعنی آفریننده پدیده‌ها یا افکار نو، ابتکار یعنی انجام دادن عملی بی‌سابقه و یا آوردن روشی نو، ابداع به معنای ایجاد چیزی نو، خلاق به معنی سازنده و پدیدآورنده و خلاقیت به معنی آفرینندگی یا قدرت ایجاد آثار نو،^۳ همه و همه در وجود بشریت نهفته شده است و از انسان، موجودی نوآور و خلاق ساخته که خلاقیت او در مراحل و زمینه‌های مختلف به شکوفایی انجامیده است. زیرا هرگونه نوآوری، تغییری پدید می‌آورد که می‌تواند به نوبه خود فرصتی را برای کسانی که در پی آن هستند به وجود آورد که بتوانند از این فرصت به خوبی استفاده کنند. برخی صاحب‌نظران زمینه‌های لازم برای نوآوری را در موارد زیر می‌دانند:

اعتماد به نفس

شناخت توانایی‌ها و باور به خویشتن، اولین گام در این راه است. با عزت بخشیدن به مردم، انگیزه و اعتماد به نفس ملی افزایش می‌یابد و توانایی‌ها و استعدادها تقویت می‌شوند.

شجاعت و آزاداندیشی

نوآوری در فضای علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از تولید علم شروع می‌شود و تولید علم به تولید نظریه و فکر متوقف است. و یکی از بایسته‌های تولید نظریه و فکر تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی است. زمانی می‌توان به نظرات نو و بدیع در یک عرصه دست یافت که کرسی‌های



□ نهضت امام خمینی، یکی از بزرگترین نوآوریهای بشر امروز است

□ شکوفایی و نوآوری پدیده‌ای است مطابق با فطرت و طبیعت انسانی، زیرا گسترش همه چیز وابسته به آن است

آزاداندیشی در مورد آن موضوع تشکیل می‌شود، نظرات مختلف در مورد آن ابراز گردد و صاحب‌نظران با هم به مباحثه پردازند تا نظر، فکر و ایده‌ای جدید تولید شود.

بها دادن به کار و اندیشه جوانان

روحیه نوآوری و ابتکار ربط مستقیمی به جوانی دارد. به صورت عادی جوان‌ها خلاق‌تر هستند و با داشتن شجاعت و جرأت ریسک‌پذیری، راحت‌تر به نوآوری دست می‌زنند. باید در بسیاری از مسئولیت‌ها که تخصص و توان و امکان آن وجود دارد، مسئولیت به جوانان سپرده شود. نوآوری در یک کشور زمانی امکان‌پذیر می‌شود که روحیه جوانی و نشاط بر آن کشور حاکم باشد تا هم خود جوانان بتوانند نوآوری کنند و هم فضای کشور و مسئولین آن را تحمل کنند.

آزادی عمل، آموزش نوآوری، تشویق نوآوران

آزادی عمل، آموزش نوآوری، تشویق و اهمیت دادن به آن و ارزش دادن به آن در فضای فرهنگی کشور هر یک می‌توانند به عنوان تقویت زمینه‌های نوآوری مطرح شوند.

نامگذاری سال ۱۳۸۷ به نام نوآوری و شکوفایی از سوی مقام معظم رهبری خود نوعی

ابتکار به شمار می‌رود. لازمه نوآوری در کشور، حمایت از نخبگان و مخترعان کشور و ایجاد انگیزه در آنان است و نیز نوآوری در حوزه مسائل اخلاقی در کشور ضرورت ویژه‌ای دارد. زیرا اخلاق زیربنای تمامی شکوفایی‌هاست. اگر از نظر اخلاقی شکوفایی نداشته باشیم، دستیابی به شکوفایی علمی میسر نمی‌شود. تا زمانی که دعوا و تنش سیاسی در کشور باشد، شکوفایی و نوآوری در کشور معنا پیدا نمی‌کند.

اکنون نگاهی خواهیم داشت به نوآور بزرگ قرن حاضر حضرت امام خمینی (ره) و جایگاه نوآوری در اندیشه و عمل آن بزرگوار و سپس به مواردی از نوآوری‌های ایشان خواهیم پرداخت. ایشان در موارد مختلفی، به رابطه اسلام و نوآوری اشاره می‌کنند و پاسخ کسانی را می‌دهند که اسلام را دین ارتجاعی و مسلمانان را مرتجع و عقب‌مانده معرفی می‌کنند:

از توطئه‌های مهم که به خصوص پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند، اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است.^۴

مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه‌جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود. هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک عده به وسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود.^۵

و در پاسخ به این شبهه که چگونه در دنیای مدرن امروز، حکومت مدرن در یک جامعه اسلامی تحقق خواهد یافت می‌فرمایند:

اسلامی که بیشترین تأکید خود را بر اندیشه و فکر قرار داده است و انسان را به آزادی از همه خرافات و اسارت قدرت‌های ارتجاعی و ضد انسانی دعوت می‌کند، چگونه ممکن است با



تمدن و پیشرفت و نوآوری‌های مفید بشر که حاصل تجربه‌های اوست سازگار نباشد؟^۶
حضرت امام به مناسبتی دیگر، عدم مخالفت اسلام را با علم و صنعت و اختراعات چنین بیان می‌نماید:

اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد، بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است.^۷

و در بیان دیگری اسلام را این‌گونه معرفی می‌نماید:

اسلام دین ترقی است. قرآن روش ترقی و شکوفایی انسان است.^۸

امام خمینی (ره) در سخن دیگری بعثت انبیاء را برای شکوفایی استعدادها معرفی می‌کنند: انبیاء هم که مبعوث شدند، برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و آن استعدادها را شکوفا کنند که در آن استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم.^۹
ایشان اعتماد به نفس، عدم احتیاج به دیگران و قطع ارتباط با بیگانگان را از عوامل ابتکار و نوآوری برمی‌شمارند:

بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد.^{۱۰}
مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع کنند. مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار بکنند، به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد باشند به اینکه «می‌توانیم».^{۱۱}
در مسئله نوآوری و شکوفایی، گستره توجه حضرت امام به تمامی حوزه‌ها گسترش می‌یابد و با جامعیت منحصر به فرد خودشان در ابعاد مختلف آن را بیان می‌فرمایند. از جمله خطاب به علما و مدرسین، دانشگاہیان، صداوسیما و... می‌فرمایند:

لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقاہت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند، و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیقها افزوده شود.^{۱۲}

صداوسیماى جمهوری اسلامى برنامه‌هایی را در جهت رشد استعداد و خلاقیت این فرزندان معظم تدوین نمایند.^{۱۳}

اگر ما یک دانشگاه صحیحی داشتیم در آفتاب شرق، شکوفا می‌شود قدرتها، شکوفا می‌شود استعدادها آن که ما می‌خواهیم این است.^{۱۴}

از شاخصه‌های اصلی حرکت امام اسلامی بودن، مردمی بودن، رهبری بی‌بدیل و در یک کلمه برخورداری از نوآوری و ابتکار است. و همه این موارد برکات خاص خود را برای مردم و انقلاب داشته و باعث شده است تا انقلاب اسلامی در قرن حاضر با نام امام خمینی عجین شود و در همه دنیا و مردم آن نفوذ کند، آنچنان که قدرت‌های بزرگ را به هراس وادارد و یکی از مشغولیت‌های ذهنی دائمی آنان، مقابله با این پدیده نوظهور باشد.

در این میان ابتکارات و نوآوری‌های خود حضرت امام در عرصه‌های مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا با این ابتکارات است که انقلاب راهی منحصر به فرد را پیموده و نمی‌توان برای آن مشابهی در جهان امروز جستجو کرد.

امام با بهره‌گیری از اندیشه نو و ریشه‌دار الهی خود در صحنه سیاست بین‌المللی نه تنها با توفیق در سرنگونی رژیم قدرتمند پهلوی به هدایت جریان جهانی انقلاب اسلامی پرداخت، بلکه با ارائه تفکری جدید و فرهنگی کاملاً دینی و الهی و نفی آموزه‌های مکاتب مادی «مدنیت غرب را نیز به چالش کشاند». به این لحاظ نوآوری امام نسبت به دنیای معاصر، قبل از آنکه در سطح عمل سیاسی باشد، در افق اندیشه سیاسی است. اندیشه سیاسی امام در نسبت با دنیای معاصر دارای نوآوری‌های فراوانی است و می‌شود گفت نقطه عطفی را برای اندیشه سیاسی معاصر به وجود آورد.

نوه بزرگوار امام حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در این باره می‌گوید:
به تعبیر امام خمینی، اندیشه و طرز تفکر اسلامی، ضامن حاکمیت و قدرت انسان در تمامی عرصه‌های مادی و معنوی است. امام در بازگرداندن و سوق دادن مسلمانان به سمت اسلام واقعی و اصیل، تلاشهای بسیار جامع و گسترده‌ای کردند.



□ امام خمینی: اسلام دین ترقی است. قرآن روش ترقی و شکوفایی انسان است

□ نوآوری در فضای علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از تولید علم شروع می‌شود و تولید علم به تولید نظریه و فکر متوقف است

بر طبق نظر ایشان، اسلام ناب، اسلامی است که آگاهی، آزادی و عدالت اجتماعی را شامل باشد. دعوت به جهاد علیه استکبار و ظالمان در اسلام یک امر عمومی است. پایه و اساس احیای تفکر دینی کوشش برای ترویج دین در کل جامعه است و چیزی جز آن نیست.

بر طبق نظر امام خمینی، دین مسئول هدایت و ارشاد انسانها در تمام جنبه‌های مختلف زندگی آنهاست. ایشان جدایی دین از سیاست را باعث زوال دین واقعی و اصیل می‌دانند. چرا که این اندیشه در حقیقت از جانب مستکبران جهانی، استثمارگران کشورهای اسلامی، حکومت‌های وابسته و غریزده است.^{۱۵}

امام خمینی (ره) در ابعاد مختلف احیای تفکر دینی در عرصه سیاست، نوآوری‌های فراوانی داشتند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ظهور دین در عرصه‌های اجتماعی: یکی از مهم‌ترین آثار دوران جدید انقلاب اسلامی به رهبری احیاگر بزرگ دین، امام خمینی، جهاد علیه نظریه محدود شدن دین در زندگی فردی انسان‌ها و رسوا کردن نظریات آنها در سراسر دنیا بود. امام خمینی وظایف و مسئولیت‌های همه‌جانبه اسلام را به طور کامل و صحیح بیان فرمودند.

۲. فکر تشکیل نظام جهانی یا نفی حاکمیت استعماری: یکی از اصول اساسی افکار امام

خمینی، ابلاغ رسالت انقلاب مبنی بر احیای دین، نفی کامل نظریه تجزیه در سیاست جهانی است. امام نظریه «ضرورت یک نظام جدید جهانی» را مطرح کردند. امام معتقد بودند که مسلمانان باید برای جستجوی یک نظام جدید جهانی که اساسش بر پایه تکریم انسان‌ها باشد، کوشش مداوم و پیگیر داشته باشند.

۳. ترغیب دولت‌های اسلامی به تشکیل کشورهای متحد اسلامی: یکی از محورهای مهم افکار امام خمینی، کوشش برای ایجاد وحدت در بین دولتهای اسلامی است. ایشان دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی را از اهداف مهم انقلاب عنوان می‌کردند.

۴. خنثی کردن توطئه استکبار مبنی بر جدائی دین از سیاست: علاوه بر نظریات مهم امام (ره) درباره اتحاد و برادری میان مسلمانان، قیام جهت برپایی حکومت اسلامی و جهاد علیه استکبار برای جدا کردن دین از سیاست است.

امام از همان ابتدای نهضت با بینش و بصیرت واقعی و با پیروی از سیره حضرت رسول (ص) این توطئه را نقش بر آب کردند. امام خمینی می‌فرمایند: بسیاری از احکام اسلام سرچشمه خدمات سیاسی و اجتماعی هستند. عبادتهای اسلامی بخشی از تدبیر سیاسی و اجتماعی هستند. به عنوان مثال نماز جماعت، راهپیمایی، حج و نماز جمعه علاوه بر آثار معنوی و اخلاقی خود، جنبه سیاسی هم دارند.

۵. عدم وابستگی به قدرت‌های جهانی: یکی دیگر از ویژگی‌های مهم امام خمینی نسبت به دیگر رهبران اسلامی این است که به هیچ یک از ابرقدرتهای آن زمان وابسته نبودند. ایمان راسخ امام خمینی الهام گرفته از فلسفه درخشان قرآن و اسلام بود. به عقیده ایشان معیار درستی و صداقت یک رفتار و کردار فردی و اجتماعی فقط و فقط جهاد مستمر برای فتح و پیروزی حق و کسب رضایت و خشنودی خواهد بود.

از مشاهده شخصیت امام خمینی به آسانی می‌توان دریافت که ایشان در راه احیای دین واجد خصوصیات برتر و واضح‌تری نسبت به اسلاف خود بودند.

خصوصیت برجسته امام خمینی، استنباط ایشان از بینش دینی بود. ایشان توجه خاصی به

ارزش‌های والای انسانی داشتند و به همین دلیل از مردم‌سالاری و یا به عبارتی دموکراسی غافل نبودند.

اساس نهضت امام بر دین استوار بود. تصویر صحیح افکار بزرگ امام را حل می‌توان در تجلی مفهوم اصلی دموکراسی جستجو کرد چرا که انتخاب توسط مردم و اعتقاد به قیام بر اساس قانون الهی است.

در این زمینه به نوآوری‌های دیگر حضرت امام، در عرصه‌های دیگری می‌توان اشاره کرد:

۱. آزادی در جامعه اسلامی

الف. آزادی سیاسی:

ما بعد از آنکه پیروزی برای ملت‌مان حاصل شد و خیانتکاران و جنایتکاران را از صحنه بیرون کردیم و ملت بیرون کرد، باب رحمت را به روی ملت و به روی همه قشرها به دو مصراع باز کردیم، با رحمت عمل شد. آزاد شدند. مرزها آزاد، قلمها آزاد، فعالیت‌های سیاسی آزاد، تمام آزاد، و با رحمت با همه عمل شده. در هیچ انقلابی مثل انقلاب ما با مردم و با خیانتکاران رفتار نکرد همه را آزاد گذاشتیم، دولت ما با همه به طور رحمت رفتار کرد، قلمها را آزاد گذاشتند. مطبوعات را آزاد گذاشتند، احزاب را آزاد گذاشتند، گروهها را آزاد گذاشتند.^{۱۶}

ب - آزادی عقیده:

در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند.^{۱۷} اما در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم مارکسیست‌ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود. زیرا ما اطمینان داریم که اسلام در بردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند... هر کس آزاد است اظهار عقیده کند، ولی برای توطئه کردن آزاد نیست.^{۱۸}

ج - آزادی مطبوعات:

مطبوعات باید همیشه در خدمت اسلام عزیز و مردم کشور باشند، و آزادیها در محدوده قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تأمین شود و بیطرفی حفظ گردد.^{۱۹}

د - آزادی در تشکیل حکومت:

شکل حکومت ما جمهوری اسلامی است، جمهوری به معنای اینکه متکی بر آرای اکثریت است و اسلامی برای اینکه متکی به قانون اسلام است و دیگر حکومتها اینطور نیستند که تکیه بر قانون اسلام داشته باشند.^{۲۰}

تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می شده است به بیعت با ولی مسلمین.^{۲۱}

ه - آزادی اجتماعی:

ما موافق رژیم آزادیهای کامل هستیم، باید حدود رژیم آینده ایران همانگونه که برای کلیه دولتها مطرح است، منافع مجموعه جامعه را در بر گیرد و همچنین باید مقید به شئون جامعه ایرانی باشد. زیرا عرضه یک جامعه غیر محدود، دستبرد به شرف مردان و زنان آن جامعه می باشد.^{۲۲}

و - آزادی در انتخابات:

همانطور که بارها گفته ام مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیّم ندارند و هیچ فرد و گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با رشد سیاسی و درایت خود جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند.^{۲۳}

۲- جایگاه زنان در حکومت اسلامی

امام خمینی(ره) با توجه به حساسیت جوامع مختلف نسبت به زنان و نیز تبلیغات سوئی که علیه اسلام و جامعه اسلامی و نیز جمهوری اسلامی در رابطه با زنان شده بود، در این زمینه حساسیت‌های بسیاری از خود نشان داده‌اند و بارها و در ابعاد مختلف به این مسئله پرداخته و زمینه‌های مختلف آن را بازگشوده‌اند؛ از جمله به موارد ذیل می توان اشاره کرد:

زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسانها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسانها زن است... مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد.^{۲۴}

زن‌هایی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار بدهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان، می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت، اگر بد زندگی کرد با زن، اگر بدخلقی کرد با زن، و کیل باشند در طلاق.^{۲۵}

از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد. مسائلی که منافات با حیثیت و شرافت زن ندارد آزاد است.^{۲۶}

سخنان حضرت امام(ره)، پاسخ به کسانی است که نگاه اسلام را به زن مورد نکوهش قرار می‌دهند، گرچه تبیین آن خود نوآوری است ولیکن نگاه تیزبین ایشان در بیان جایگاه زن در جمهوری اسلامی و جامعه اسلامی از ابتکارات خاص ایشان و با توجه به مسائل جهانی و برخورد‌های دیگران در تبلیغ علیه جامعه اسلامی است:

در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت یک شیء، نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند.^{۲۷} زنها حق رأی دارند. از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زنها ما قائل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند.

شما شهر و روستایی را نمی‌یابید جز آنکه در آنها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زنهاى متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است.^{۲۸}

زن و مرد، همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه... رأی بدهند، رأی بگیرند.

آنی که مخالفند، این است که اینطوری که اینها زن را می‌خواهند بار بیاورند که یک ملعبه‌ای در دست مردها باشد... ما می‌خواهیم زن آدم باشد مثل سایر آدمها، انسان باشد مثل سایر انسانها، آزاد باشد مثل سایر آزادها.^{۲۹}

امام خمینی در بیانات دیگری، ابعاد وسیع‌تری از جایگاه زنان را این گونه بیان می‌نماید: موقعیت یک انسان صحیح و یک شخصیت آزاد، بر خلاف این زمانها که بر ما گذشت که نه زن‌های ما آزاد بودند و نه مردانمان، ملتی که زن و مردش آزاد نبود و در خفقان بود، از زیر این بار بیرون آمدند و از این به بعد زن‌ها و مردها آزادند. ولی اگر چنانچه بخواهند کارهای خلاف عفت بکنند و یا خلاف مصلحت مملکت بکنند، البته جلوگیری خواهد شد.^{۳۰}

امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزادی زنان و آزادی مردان، نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می‌شد.^{۳۱}

۳- تأسیس بسیج مردمی

امام خمینی در آذرماه ۱۳۵۸، بسیج مستضعفان را بنیان نهاد. در اندیشه امام خمینی، بسیج یک نهادی است اجتماعی با ابعاد متعدد. در این نگرش صرفاً سازمانی نظامی نیست که فقط در زمان جنگ و برای دفاع در مقابل دشمن شکل گرفته باشد. بلکه نهادی است وسیع و پاس‌خگوی نیازهای اساسی و حیاتی جامعه و با اجزای دیگر نظام، چنان هماهنگی و پیوندی دارد که انفصال آن جز با انحلال جامعه اسلامی متصور نیست.

سابقه بسیج در منظر امام گویای این مطلب است که ملتها در قرون و اعصار به دعوت رهبران الهی، بسیج شده اند تا دین خدا را زنده نگه دارند. بسیج ملتها اعتقادی سیاسی یا نظامی یا اجتماعی - اقتصادی یا جامع همه این صفات بوده است. وجه مشترک همه اینها سرنگونی ظلم و سلطه طاغوت و برقراری خداپرستی و عدالت بین انسانها بوده است. به طوری که در یک صف، بسیج و انسجام مردم و تجهیز امکانات آنان و هدایت بسیج کننده قرار داشت و در صف دیگر ظلم ظالمان و قدرت طاغوتها.

حضرت امام حتی ضرورت تشکیل بسیج بیست میلیونی را برای دفاع از کشور، و بسیج صد میلیونی جهانی را برای دفاع از اسلام گوشزد کرده است. در واقع اگر بسیج را با امت اسلام و متن مردم یکی محسوب کنیم، از حقیقت دور نشده ایم.^{۳۲}

در این زمینه امام می فرمایند:

قضیه بسیج همان مسأله‌ای است که در صدر اسلام بوده است. وقتی جنگ می شد طوایف مختلف می آمدند و به جنگ می رفتند و این مسأله جدیدی نیست و در اسلام سابقه داشته است.^{۳۳} ان شاء الله آن بسیج عمومی که برای یاد گرفتن باشد، هم تعلیمات دینی و یاد گرفتن قرآن و کتاب و هم تعلیمات نظامی و اینها یک کشور نظامی - الهی بشود یک همچو کشوری که اینطور شد، دیگر کسی به آن طمع نمی کند، برای اینکه می داند ضررش بیشتر از نفعش است.^{۳۴}



۴- برگزاری مراسم براءت از مشرکین در ایام حج

یکی از نوآوری‌های امام خمینی (ره) در حج، توصیه و دستور به برگزاری مراسم براءت از مشرکین در موسم حج بود. در اینجا ابتدا به نقل توضیحی راجع به اصل براءت از مشرکین می‌پردازیم.

شیوه‌های اعلان براءت می‌تواند به گونه‌های مختلف و مناسب، در قالب رعایت اصول دیگر اسلام و شرایط زمان انجام شود. اما آنچه به عنوان رکن در اجرای آن باید ملحوظ شود، اصل معنا و مفهوم اعتقادی و سیاسی طرد بت و بت‌پرستی و اعلان انزجار از مشرکان و دشمنان اسلام و محکوم کردن سیاست‌های خصمانه و توطئه‌گرانه و مشی ستمگرانه و تجاوزکارانه آنهاست.

امام خمینی در عید قربان نخستین حج پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۵۸/۸/۳۰) در پیامی به حجاج، به تحلیل جامعی از کعبه و حج مبادرت کرد و آن را محل نشر توحید و نفی شرک دانست. تأکید او بر این نکته بود که کعبه خاستگاه اصلی ندای توحید و مرکز شکستن بتها در سراسر جهان است و بنا بر آیات قرآنی، تطهیر آن از همه ناپاکی‌ها و پلیدیها که بالاترین آنها شرک است، واجب است. سپس با اعلان براءت از مشرکین و قیام مهدی موعود از کنار کعبه و دعوت مردم به توحید، نتیجه گرفت که همه بت‌شکنی‌ها از کعبه سرچشمه گرفته و خواهد گرفت و امت اسلام نیز باید از این امر تأسی نماید.

ایشان حج اجتماعی و براءت از مشرکان را به یک روش خاص محدود نکرد، بلکه دغدغه اصلی او بر محتوای عمیق حج و استفاده از آن با اتکا بر توحید ناب و اجتناب از تمامی مظاهر شرک و تعلق و توکل به غیر خدا بود که می‌تواند منشأ حرکات و برکات بسیاری در جوامع اسلامی و همسویی و تلاش آنان برای احیای میراث و تمدن اسلامی شود.

از نظر امام، مسلمانان باید در حج به صرف صورت قناعت نکنند و از چنین کنگره عظیمی که امکان برپایش برای هیچ مقام و دولتی ممکن نیست مگر اراده خدا، به نفع اسلام و مسلمین استفاده شود.

موارد این استفاده را در قیام به قسط برای ادامه بت‌شکنیهای انبیای حق، به هم پیوستن



مسلمانان جهان و تحکیم وحدت آنها در مقابل طاغوتها و بررسی مشکلات مسلمانان و مشورت برای حل و فصل آنها می‌توان سراغ گرفت.

خاستگاه اصلی دیدگاه امام خمینی در براءت از مشرکان، همان اصول تولی و تبری بوده است. از نظر ایشان فریاد براءت از مشرکان مخصوص به زمان خاصی نیست و در هر سال باید تکرار شود و دفاع از مسلمانان نوعی براءت از مشرکین است. بدین ترتیب، بهره‌گیری صحیح از حج و براءت از مشرکان، رهایی از مرزهای اعتباری قومیت و ملیت و رسیدن مسلمانان به وحدت ایمانی است و رهایی از اختلافهای درونی و جنگهای مذهبی و عطف نفرتها و دشمنی‌ها به دشمن مشرک را در پی دارد.

توجه به مشی فقها و دانشمندان اسلامی در قرون گذشته نسبت به حج و مشاهده تحول ژرفی که حضرت امام خمینی (ره) در همه جنبه‌های مکتب ایجاد کرد، عظمت او و اهمیت تحولی که به وجود آورد، آشکارتر می‌شود، از این روست که به حق باید او را «احیاگر حج ابراهیمی» نامید. در دیدگاه امام، حج تمرین و تنظیم و تشکل یک زندگی توحیدی است. با چنین بینشی از حج، البته بیدار نمودن مسلمانان جهان با هدف خارج کردن آنان از سلطه بیگانگان، بازگشت به هویت خویشتن و اعلان براءت از مشرکان و ملحدان و حاکمان ستمگر از لوازم اجتناب‌ناپذیر حج است.

امام خمینی احیاگر حج ابراهیمی و بیش از همه مصلحان اجتماعی، منادی وحدت مسلمین بود و بیش از همه آنان نیز از اختلافات آنان رنج می‌برد و هیچ‌گاه راضی به بروز اختلاف و نزاع بین حجاج بیت الله الحرام نبود.^{۳۵}

امام خمینی در این باره می‌فرمایند:

مسلماً حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌براءت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست. حج کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی باید جستجو نمود.^{۳۶}

گمان نشود قصد موسی و ابراهیم و محمد مخصوص به زمان خاصی است. این دستور است

و جاوید؛ در صورتی که مشرکان حجاز منقرض شده اند و قیام ناس مختص به زمانی نیست و دستور هر زمان و مکان است و در هر سال، در این جمع عمومی بشری، از جمله عبادات مهم است.^{۳۷}

در جای دیگر می‌فرمایند:

نباید تصور نمود که مبارزه انبیاء با بت و بت پرستها، منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذ بالله! پیامبرانی همچون ابراهیم، در شکستن بتها پیشقدم بوده و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند!^{۳۸}

۵- بهره‌مندی صحیح از سنت‌های دینی و هدایت آنها

امام خمینی با تکیه بر قدرت لایزال الهی، طومار ننگین حکومت استبدادی شاهنشاهی را در هم پیچید و حکومتی بر محور ارزشهای انسانی و اسلامی پی‌ریزی نمود.

«نهضت حسینی» از موضوعات مهمی است که تأثیر ژرفی در اندیشه و سیره عملی «امام خمینی» بجا نهاده است. به طوری که نهضت اسلامی آن بزرگوار در همه ابعادش برگرفته و متأثر از آن است. تحلیل جامعی که امام از نهضت امام حسین و فلسفه عزاداری ارائه نمود، منشأ آثار و برکاتی شد.

یکی از خصوصیات برجسته، شاخص و ابتکاری حضرت امام(ره)، استفاده از موقعیت‌ها و فعالیت‌های مناسب و سنتی مردم بود. او قبل از اینکه عالمی روشنفکر باشد، فقیهی جواهری و عمق‌نگر بود. از این رو از سنت‌های مذهبی مردم در راستای اهداف خود که برقراری جمهوری اسلامی و پیروزی اسلام بود بهره می‌برد و بر آنها تأکید می‌ورزید:

این دستجاتی که در ایام عاشورا راه می‌افتند خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راهپیمایی، راهپیمایی است خودش. اما راهپیمایی با یک محتوای سیاسی، همان طوری که سابق بود بلکه بالاتر، همان سینه‌زنی، همان نوحه‌خوانی، همانها رمز پیروزی ماست.^{۳۹}

انقلاب اسلامی ایران تأثیر بسزایی در بهبود عزاداری‌ها و اصلاح جهت‌گیری‌ها در



نوحه خوانی و مرثیه سرایی‌ها داشت و نمونه‌ای از آن در دوران دفاع مقدس در جبهه‌های حق علیه باطل نمایان شد. نهضت امام خمینی از جنبه‌های مختلفی به نهضت سالار شهیدان حسین بن علی(ع) شباهت دارد زیرا از آن الگو گرفته و از آغاز تا پیروزی از آن تبعیت نموده است.^{۴۰}

۶ - طرح اندیشه سیاسی شیعه

در الگوی حکومت مشروع تمام عیار، که الگویی متفاوت در نظریه‌های مطرح در شیعه است، به جای تأکید بر فرد امام یا پیامبر(ص)، روی شریعت و ضرورت اجرای آن اصرار می‌کنند. بر پایه این استدلال، شریعت از جانب خدا تشریح شده و هدف از آن، اجرای عملی محتوای دین در جامعه بوده است.

هر کس به شریعت و اجرای آن عالم باشد باید مجری شریعت بوده و مقدمات آن را که مهمترینش تشکیل حکومت است، فراهم نماید. این چکیده نظریه‌ای است که اولین بار امام خمینی(ره) مطرح کردند و بر آن استدلال نمودند.

پیش از این نظر امام خمینی، مهم‌ترین بحث فقها در مورد حکومت، صرفاً مسئله اجرای حکم (احکام شرعی) به وسیله فقیهان در دوره غیبت بود. ابتکار و نوآوری امام(ره) در این بود که از مرحله لزوم اجرای احکام شریعت پلی برای دست‌یابی به حکم وضعی شرعی ساخت. او حکومت و تأسیس تشکیلات سیاسی، نظامی، قضایی، اقتصادی و اجتماعی را زمینه و مقدمه اجرای شریعت دانست.

اندیشه سیاسی امام در جهان تشیع از فضای فکری جدید حکایت می‌کند که راه جدید برای ورود فعالانه در عرصه سیاست، تا مرحله شکل‌گیری حکومت گشود و در عمل نیز این اتفاق بزرگ تاریخی محقق گردید.^{۴۱}

حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل

جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.^{۴۲}

۷- نوآوری در تغییر نظام‌های اجتماعی

در اندیشه امام خمینی، تغییر در تمام ابعاد جامعه از سیاست و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و اجتماع و تمام ارکان جامعه باید صورت گیرد تا جامعه به سمت تعالی و نوآوری پیش رود.

نظامی که مخالف نظام اسلام است، در همه چیز هم فرهنگش بر خلاف نظام اسلام است، هم ارتشش و هم اقتصادش و هم سیاستش، بایستی منقلب شود و نظام اسلامی تحقق پیدا کند.^{۴۳}

در بیانات امام خمینی در موارد بسیاری از نظام آموزشی به فرهنگ تعبیر شده است و امام خمینی تغییر نظام را بسیار مطلوب می‌داند و می‌گوید:

مجرد بودن رژیم اسلامی، مقصود نیست. مقصود این است که در حکومت اسلامی، اسلام و قانون اسلام حکومت کند.^{۴۴}

مردم و تغییر در روحیه آنان، یکی از مهمترین تغییرات مورد توجه امام خمینی می‌باشد، به گونه‌ای که هرگونه تحولی بدون آن غیرممکن می‌داند:

به مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی، یک تحولی در نظام درست کند فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند، همین افراد نظام را معوجش می‌کنند. تحول در افراد و در روحیه افراد میزان است.^{۴۵}

وضعیت قابل قبول و سالم برای یک جامعه در منظر امام خمینی زمانی است که مردم آن جامعه به «انسانی اسلامی» تبدیل شوند. برای تبدیل شدن به انسان‌های اسلامی و برای رسیدن به چنین جامعه‌ای، سه بعد باید پدید آید:

۱. اسلامی شدن عقاید، ۲. اسلامی شدن اخلاق، ۳. اسلامی شدن عمل.

انقلاب‌هایی که در دنیا واقع می‌شود، دو جور است: یک انقلاب اسلامی است و یک انقلاب غیراسلامی. انقلاب اگر انقلاب غیر اسلامی باشد... بعد از انقلاب دیگر بند و باری در کار



□ در اندیشه امام خمینی، تغییر در تمام ابعاد جامعه و تمام ارکان جامعه باید صورت گیرد تا جامعه به سمت تعالی و نوآوری پیش رود

□ بزرگترین ویژگی امام در عرصه فقهت شیعه، به میدان آوردن بعد اجتماعی فقه در کنار بعد فردی آن است

نیست. هر طوری که می‌خواهند با مردم عمل می‌کنند... لکن انقلاب اگر اسلامی باشد، یعنی متکی بر ایده اسلام، متکی به احکام اسلام باشد، این باید از اول انقلاب تا آخر - ابد - که این انقلاب و آثارش هست این اسلامی باشد و تحت احکام اسلام. ملت ما تا اینجا آمده است و بحمد الله با پیروزی به اینجا رسیده است.^{۴۶}

از نظر امام خمینی بسط عدالت اسلامی، یگانه راه سعادت انسان است و سعادت یعنی داشتن عقاید، اخلاق و عمل اسلامی. عدالت اجتماعی اسلام، وضعیت مطلوب و تثبیت شده‌ای را در جامعه به وجود می‌آورد و باعث رفع بیداد و بی‌فرهنگی برای ایجاد یک وضع قابل تغییر در جامعه می‌شود.

اسلام، دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است!^{۴۷}

در نظر امام خمینی، جامعه سالم را مسلمین متحد تشکیل می‌دهند و تفرقه بین مسلمین را آسیبی ناشی از تبلیغات دشمن قلمداد می‌کنند:

اسلام دستور داده است و فرموده: واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا، همه با هم، تمام

اقشار با هم اعتصام به حبل الله و با توجه به خدای بزرگ همه با هم پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است.^{۴۸}

رشد و ترقی در نظر امام خمینی با سعادت قرین است و آن هم در گرو تبدیل شدن به انسان اسلامی است که اساس توجهات آن نیز به معنویات است.

ترقی واقعی همین است که رشد خود انسان، هدف فعالیت‌های مادی گردد و اسلام، دین این ترقی است.^{۴۹}

زمینه‌های نوآوری و گذار از جامعه ساکن از دیدگاه امام خمینی (ره)

۱. برقراری عدالت اجتماعی و عدالت اسلامی که باعث و زمینه‌ساز گشایش راه سعادت در ملتها می‌شود.

۲. زدودن آثار شرک از جامعه و زندگی مردم؛ متفکر متعهد و نواندیش زدودن آثار شرک را از جامعه جزء وظایف خود می‌داند و این از ویژگی‌های جامعه مطلوب است.

۳. برقراری استقلال؛ جامعه پویا و نوآور تحت سلطه و وابسته به قدرتهای ظالم نیست.

۴. برقراری آزادی؛ جامعه‌ای که تحت دیکتاتوری باشد امکان پیشرفت و شکوفایی ندارد. حق آزادی از حقوق اولیه بشر است.

۵. وحدت بین اقشار جامعه؛ تفرقه بین اقشار جامعه موجب تباهی است.

۶. اتحاد مسلمین؛ وحدت و هماهنگی ملت‌های مسلمان و نژادهای مسلمین موجب برطرف شدن سرگردانی، و بیداری استعدادهای نهانی و خفته می‌شود.

۷. ترقی خواهی و رد واپس‌گرایی؛ امام خمینی، انقلاب اسلامی را موجب و بانی اصلی از بین رفتن واپس‌گرایی‌ها و ارتجاع‌ها می‌داند.

۸. بازگشت مجدد عظمت اسلامی؛ حضرت امام بازگشت به قرآن و اسلام را بازگشت به عظمت و بزرگی می‌دانند.

۹. بازیافتن استقلال روحی؛ امام خمینی خودباختگی را از اساسی‌ترین آسیب‌های یک



جامعه ناسالم می‌داند.

۱۰. تحول نظام آموزشی؛ نظام آموزشی خود عامل و زمینه ساز شکوفایی و نوآوری در جامعه می‌تواند باشد.

۱۱. تصفیه وزارتخانه‌ها؛ در اندیشه امام خمینی، علاوه بر اصلاح ارزشها و هنجارها، سازمانهای اجتماعی هم باید مورد تصفیه و بازسازی و بهینه‌شدن قرار گیرد.

۱۲. سپردن کارها به کارشناسان امین؛ در اندیشه امام خمینی (ره) اصلاح نیروی انسانی سازمانها بخشی از برنامه ضروری تغییر و تحول پویا و نوآورانه است که بعد از تصفیه وزارتخانه از عناصر فاسد و وابسته به استعمارگران و مستبدین و سپردن کارها به کارشناسان امین عملی می‌شود.

۱۳. بهتر شدن زندگی محرومان و تقسیم عادلانه ثروت؛ نظام ظالمانه و تحمیلی اقتصادی تقسیم مردم به ظالم و مظلوم و غارت کشور، آسیب‌هایی هستند که شرط اصلاح جامعه رفع آنهاست.

۱۴. ایجاد شرایط اجتماعی مناسب برای تربیت انسان اسلامی؛ یکی از عمده‌ترین نکات مورد نظر امام ساختن انسان اسلامی و قرآنی است، زیرا تا انسان‌ها ساخته نشوند، جامعه اسلامی ساخته نخواهد شد.

۱۵. برقراری نظم اسلامی؛ از نظر امام خمینی، باید نظم اسلامی برقرار شود و همه افراد بر طریق عادلانه اسلام رفتار کنند.

۱۶. اجرای احکام اسلامی و لغو قوانین غیراسلامی؛ در منظر امام خمینی (ره) قوانین غیر اسلامی، قوانینی ظالمانه و استعماری است که باید از بین برود و قوانین اسلامی جایگزین آنها شود.

۱۷. کسب قدرت مشروع؛ زیرا تا حکومت اسلامی از قدرت برخوردار نباشد، نمی‌تواند احکام اسلام را به صورت صحیح اجرا نماید.

۱۸. خاتمه دادن به ظلم و رژیم طاغوتی؛ زیرا تا طاغوت و فرهنگ آنان حاکم باشد، راه رشد و تعالی بسته است.

۱۹. قطع نفوذ اجانب و رفع مفاسد؛ در نظر امام خمینی (ره) نفوذ اجانب در جهت از بین بردن

استعدادهاست و با وجود مفاسد، شکوفایی و نوآوری مرده است.

۲۰. ساختن جامعه‌ای اسلامی بر مبنای قوانین اسلام و قرآن؛ چرا که اگر قوانین قرآن حاکم شود و به آن عمل شود امید رشد و تعالی وجود خواهد داشت.^{۵۰}

۸- نگرش مبتکرانه امام خمینی به فقه شیعه

بزرگ‌ترین ویژگی امام در عرصه فقهت شیعه، به میدان آوردن بعد اجتماعی فقه در کنار بعد فردی آن است. امام خمینی در فقه و رهنمودهای فقهی خود به جز مبانی عام و مشهور فقهی به مبانی دین شناختی استناد کرده است که می‌توان آنها را مبنای لازم برای نگرش اجتماعی به فقه دانست.

به تعبیر آیت الله جوادی آملی، «فقه‌شناسی امام» نه مانند اخباریون بود که از روزنه زبون تحجر و جمود به آن می‌نگرد و نه مانند سایر اصولیون بود که از تنگنای مباحث الفاظ و اصول عملیه در آن نظر می‌نمایند. بلکه دین‌شناسی او در فقه اصغر و اوسط و اکبر تابع دین‌شناسی امامان بوده است.

امام از شخصیت‌های خلاق و صاحب نظر تاریخ است که به عرفان، شجاعت، فقهت و سیاست مشهور است. خصیصه نوآوری باعث نمود بیشتر این صفات در امام شده، به طوری که امام خمینی در همه عرصه‌هایی که گام نهاده فقط به حفظ و یا شرح و یا تقریر دیدگاه‌ها و نظرات عالمان پیش از خود نپرداخته است، بلکه با نقد و کاوش عمیق به راهکارهای جدیدی دست یافته است و یا افق‌های تازه‌ای را گشوده است.^{۵۱}

نگرش کم‌نظیر امام خمینی به مبانی و مسائل فقهی، تحوّل بنیادین در تمامی ابعاد و زوایای فقه ایجاد کرد، به گونه‌ای که فقه به شکلی پویا و کارآمد در حکومت اسلامی قابلیت اجرا به خود گرفت. از منظر ایشان «حکومت، فلسفه عملی فقه» است.

حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.^{۵۲}

□ پیام مشهور به «منشور روحانیت» از ابتکارات و نوآوریهای منحصر به فرد حضرت امام است

□ نوآوری و ابتکار حضرت امام در وصیت‌نامه سیاسی - الهی، منشور سعادت همه انسانهای آزاده و روشن‌اندیش است

یکی از ویژگی‌های شگفت‌آور فقاقت در اسلام اصیل، واقع‌بینی و واقع‌نگری آن است. فقیه توانا کسی است که با دید واقع‌بین، مسائل روزمره را بررسی کند.

این نگاه، نگرشی خاص به فقه است که آن را از انزوای مسائل فردی خارج، و در عرصه اجتماع و حکومت متجلی می‌نماید، از این منظر قواعد فقهی پویا و کارآمد می‌شود و به تناسب در هر یک از قواعد تحولاتی ایجاد می‌شود.

به طور مثال قاعده «لا ضرر» که بر اساس نظر مشهور فقها به جنبه‌های فقهی متعارف توجه دارد، شکل حکومتی و سیاسی به خود گرفته و به عنوان یکی از قواعد حکومتی نقش ایفا می‌کند. این قاعده به حاکم اسلامی اجازه می‌دهد در عرصه حکومت، دایره مالکیت‌های مضر به دیگران را محدود کند.

در مسألهٔ مصلحت نیز نگرش امام خمینی، به گونه‌ای است که می‌توان گفت از منظر ایشان، «مصلحت نظام» یکی از قواعد حکومتها، بلکه در رأس قواعد حکومتی قرار دارد.

در گسترهٔ اندیشه دینی امام خمینی، قواعد حکومتی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان گفت از منظر ایشان قواعد حکومتی در رأس همهٔ قواعد قرار دارد.

اهمیت توجه امام به مصالح نظام نه تنها به عنوان یک اصل و قاعده اساسی است، بلکه با دستور ایشان مبنی بر تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، این نگرش به صورت نهادی رسمی در سیستم حکومتی اسلام نهادینه شده است.

۹. ارائه منشور روحانیت ابتکاری دیگر

بیانیه‌ها و پیام‌های امام خمینی که به مناسبت‌های مختلف صادر شده است، بیانگر دیدگاه‌های متعالی و برجسته ایشان است و تمام آنها قابل تأمل و دقت است، لکن برخی از آنها به لحاظ حساسیت موضوع و نیز پرداختن به موضوعات خاص و اشاره به نکاتی که به آنها توجه نمی‌شده، آنها را شاخص‌تر کرده است، از جمله پیام ایشان در سال ۱۳۶۷ به روحانیون است که بعدها با نام «منشور روحانیت» معروف گردید که از ابتکارات و نوآوری‌های منحصر به فرد حضرت امام (ره) محسوب می‌شود، چنانکه پس از صدور این پیام، دهها مقاله و تحلیل بر آن نوشته شد و مورد توجه فراوان قرار گرفت.

در این پیام به ابعاد مختلف و از زوایای گوناگون به حوزه‌ها و روحانیت پرداخته شده است، از جمله می‌فرمایند:

اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت علیهم السلام به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب بابرکتی همچون «کتب اربعه» و کتابهای دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم.^{۵۳}



۱۰. توجه به کرامت انسان در فرمان هشت ماده‌ای

یکی دیگر از ابتکارات منحصر به فرد امام(ره)، فرمان معروف ایشان به قوه قضائیه و ارگانهای اجرایی است که به «فرمان هشت ماده‌ای» مشهور گشت. در این فرمان که در زمان خود بسیار مؤثر و مفید واقع شد و بعضاً موجبات تحوّل در قوه قضائیه را فراهم آورد، نکاتی بیان شده که اکثر آنها به کرامت انسان برمی‌گردد، از جمله بند ۴ و ۵ و ۶ این فرمان است:

۴- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هرچند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.^{۵۴}

این نگاه مبتکرانه و هوشمندانه امام، برخاسته از ژرف‌نگری منحصر به فرد آن شخصیت فرزانه درباره کرامت انسان است، و عدم رعایت آن، زیر سؤال بردن حرمت انسانی و انسانیت افراد است که در نظام اسلامی و در مکتب اسلام به شدت بدان توجه شده است.

۱۱. وصیت‌نامه سیاسی الهی، شکوفایی امام‌گونه

نوآوری و ابتکار حضرت امام(ره) در ارائه وصیت‌نامه سیاسی الهی معروف، که در واقع چکیده تجربیات یک عمر تلاش و تجربه علمی و عملی هشتاد ساله آن فقیه نواندیش و مبتکر و عارف کامل و فرزانه بی‌نظیر بود، «منشور سعادت» همه انسان‌های آزاده و روشن‌اندیش است، که در تاریخ پرافتخار و بی‌بدیل عالمان دینی و به ویژه علمای بزرگ شیعه بی‌نظیر و بی‌همتاست. آنچه تاکنون از وصایای بزرگان دین برجای مانده است، بیشتر و یا همه آنها به مسائل اخلاقی پرداخته‌اند و در واقع دستورالعمل‌های سیر و سلوک به سوی خدا بوده است و به مسائل اجتماعی، فرهنگی و سایر مسائل توجه نشده است و گاه حجم آنها نیز بسیار کوتاه و مختصر است، لکن در وصیت‌نامه حضرت امام علاوه بر پرداختن به مسائل اخلاقی، به همه مسائل مورد نیاز جامعه نیز پرداخته شده، و با خصوصیات که تنظیم یافته است، ابتکاری از این شخصیت فرزانه و بی‌نظیر است.

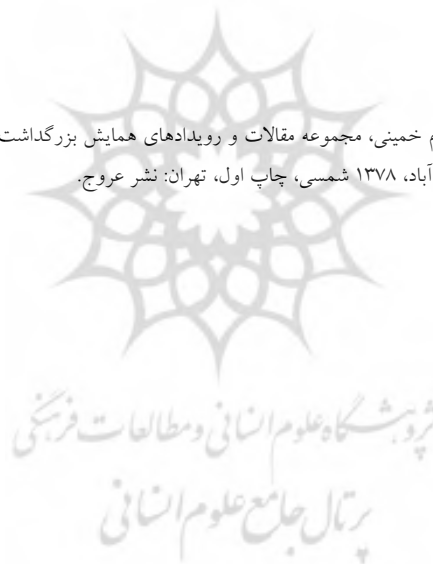
سزاوار است همه ساله و در مناسبت‌هایی همچون سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) و یا دهه مبارک فجر و پیروزی انقلاب، به این وصیت‌نامه با نگاهی نو پرداخته شود و فرازهایی از آن، به عنوان آموزه‌های همیشه جاوید برای مردم و علاقه‌مندان به اسلام و انقلاب تبیین گردد.

* * *

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که موارد یادشده و ده‌ها مورد دیگر که تاکنون نیز در انحصار آن شخصیت بی‌بدیل قرن حاضر است، گوشه‌ای از ابتکارات و نوآوری‌های ایشان محسوب می‌شود که باید مورد توجه همگان، به ویژه مسئولان نظام اسلامی باشد و آنها را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند.

پی‌نوشتها:

۱. آل عمران (۳): ۹۶.
۲. بقره (۲): ۱۱۷.
۳. دکتر حسین انوری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، ۱۳۸۱، ذیل واژه‌های مختلف.
۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۴ - ۴۰۵.
۵. همان، ج ۵، ص ۳۸۲ - ۳۸۳.
۶. همان، ج ۵، ص ۴۰۹.
۷. همان، ج ۲۱، ص ۴۰۶.
۸. همان، ج ۴، ص ۱۵۹.
۹. همان، ج ۱۷، ص ۵۲۷.
۱۰. همان، ج ۲۱، ص ۴۳۳.
۱۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۸۹.
۱۲. همان، ج ۲۱، ص ۴۲۵.
۱۳. همان، ج ۲۰، ص ۲۸.
۱۴. همان، ج ۵، ص ۳۲۵.
۱۵. بازسازی تفکر اسلامی در اندیشه امام خمینی، مجموعه مقالات و رویدادهای همایش بزرگداشت یکصدمین سالگرد میلاد حضرت امام خمینی، ص ۲۴، پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۸ شمسی، چاپ اول، تهران: نشر عروج.
۱۶. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۷۰.
۱۷. همان، ج ۵، ص ۴۶۸.
۱۸. همان، ج ۳، ص ۳۷۱.
۱۹. همان، ج ۱۳، ص ۳۵۶.
۲۰. همان، ج ۵، ص ۱۸۱.
۲۱. همان، ج ۲۰، ص ۴۵۹.
۲۲. همان، ج ۴، ص ۳.
۲۳. همان، ج ۲۱، ص ۱۰.
۲۴. همان، ج ۷، ص ۳۳۹.
۲۵. همان، ج ۶، ص ۳۰۱ - ۳۰۲.
۲۶. همان، ج ۴، ص ۳۶۴.
۲۷. همان، ص ۴۱۴.
۲۸. همان، ج ۱۲، ص ۲۷۵.
۲۹. همان، ج ۵، ص ۲۱۷.



۳۰. همان، ص ۴۸۵.
۳۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۷۵.
۳۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۱.
۳۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۲۰.
۳۴. همان، ج ۱۷، ص ۱۵۶.
۳۵. رک: مبانی دینی برائت از مشرکان، سید جواد ورعی، مجله میقات حج، شماره ۲۶، ۱۳۷۷.
۳۶. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۷ - ۷۸.
۳۷. همان، ج ۲۰، ص ۹۳ - ۹۴.
۳۸. همان، ص ۳۱۶.
۳۹. همان، ج ۱۱، ص ۹۸.
۴۰. رک: امام خمینی و احیای تفکر اسلامی، سید جواد ورعی، انتشارات عروج، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴۱. رک: امام خمینی و اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت، محمود شفیعی، ۱۸ بهمن ۱۳۸۵.
۴۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۲.
۴۳. همان، ج ۴، ص ۴۵۶.
۴۴. همان، ج ۸، ص ۲۸۱.
۴۵. همان، ج ۹، ص ۱۷.
۴۶. همان، ص ۲۷۱ - ۲۷۲.
۴۷. مقدمه ولایت فقیه، ص ۱۰.
۴۸. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۸.
۴۹. همان، ج ۴، ص ۳۶۰.
۵۰. برگرفته از مقاله اندیشه امام خمینی درباره تغییر جامعه، سوره، ۱۳۷۵.
۵۱. رک: قواعد فقهی در آثار امام خمینی (ره)، حمیدرضا نوحی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، نشر عروج، ص ۱۲ به بعد، چاپ اول: ۱۳۸۴.
۵۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹.
۵۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۴.
۵۴. همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

